

بررسی روابط روسیه با کشورهای آفریقایی (مصر، اتیوپی، آفریقای جنوبی...) بعد از فروپاشی شوروی

منوچهر پایور*

چکیده

بعد از فروپاشی شوروی سابق تغییرات نسبتاً عمده‌ای در سیاست روسیه در قبال کشورهای قاره آفریقا رخ داده است. دولتمردان روسیه از ایدئولوژی جدیدی تبعیت می‌کنند که به موجب آن، مسکو باید برای ایجاد ثبات در قاره آفریقا کوشش و در ضمن، باید روابط خود را برای دستیابی به منابع اقتصادی ارزشمند کشورهای آفریقایی با این تعداد از کشورها تقویت کند؛ مثلاً روسیه برای ایجاد ثبات سیاسی و حل و فصل جنگ داخلی در آنگولا کوشش زیادی به خرج داده و در عین حال، برای بهره‌برداری از منابع نفت آنگولا با رهبران این کشور مذاکراتی داشته است. البته روسیه ممکن است مثل گذشته برای حفظ منافع خود و کسب موفقیت مناسب‌تر در قاره آفریقا در سال‌های آتی راهبرد دیگری اتخاذ نماید و کمتر برای ایجاد صلح و ثبات در این منطقه گام بردارد.

مقدمه

اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰ دچار فروپاشی شد و پس از آن، تغییرات نسبتاً عمده‌ای در سیاست خارجی روسیه رخ داد. قبلاً سیاست خارجی اتحاد جماهیر

شوروی بر اساس ایدئولوژی مارکسیستی بنا شده بود و طبق دیدگاه رهبران شوروی، دنیا به دو بلوک شرق و غرب یا کمونیستی و سرمایه داری تقسیم می‌شد. از دوران زمامداری خروشچف به بعد، شوروی ضمن همزیستی مسالمت‌آمیز با آمریکا و متحدین واشنگتن، از جنبش‌های مردمی یا چپ‌گرا در کشورهای مختلف حمایت می‌کرد، اما رهبران روسیه بعد از فروپاشی سعی داشته‌اند تا روابط دوستانه‌ای با کشورهای غربی برقرار سازند و کمتر از جنبش‌های انقلابی در کشورهای مختلف حمایت کنند. آنان می‌کوشند تا در عرصه داخلی کشور تغییر و تحول ایجاد کنند تا از لحاظ تکنولوژیکی و اقتصادی پیشرفت بیشتری داشته باشند. مسکو در مورد قاره آفریقا برای مسائلی چون پایان بخشیدن به مناقشات داخلی در کشورها، فقرزدایی و رسیدن به توسعه پایدار اهمیت خاصی قائل است. در این مقاله درصددیم به این سؤال پاسخ دهیم که دقیقاً روسیه در قاره آفریقا به دنبال چه اهدافی است و چرا مسکو برای رسیدن به اهداف مورد نظر خود طی سال‌های اخیر در کشورهای آفریقایی حضور فعال داشته است. فرضیه ما این است که رهبران روسیه برای ایجاد ثبات در قاره آفریقا گام برداشته و تا حدی نیز برای پیشبرد منافع اقتصادی خود اقدام به ایجاد روابط دیپلماتیک با کشورهای آفریقایی نموده‌اند.

برای آزمون فرضیه پیشنهادی، از یکی از نظریه‌های موجود در مورد نحوه شکل‌گیری سیاست خارجی روسیه بهره می‌گیریم. طبق نظریه مذکور، سیاست خارجی روسیه بر اساس ایدئولوژی رهبران روسیه پایه‌ریزی شده است و در نهایت، برای پی بردن به این مسئله که چرا مثلاً روسیه موضع خاصی در قبال مسائل سیاسی مربوط به قاره آفریقا اتخاذ نموده است، باید شناخت کاملی از ایدئولوژی رهبران این کشور داشته باشیم. از این دیدگاه، امروزه کرملین می‌کوشد تا با کشورهای دیگر همکاری نزدیک‌تری داشته باشد و برای ایجاد ثبات در مناطق مختلف از جمله آفریقا ارزش و اهمیت خاصی

قابل است تا بدین وسیله، بتواند منافع خود را تأمین کند.

در پایان به طور خلاصه به بررسی دیدگاه‌های مختلف در مورد سیاست خارجی روسیه می‌پردازیم و چنین استدلال می‌کنیم که از میان دیدگاه‌های مختلفی که در مورد سیاست خارجی روسیه وجود دارد، آن دیدگاهی مستدل‌تر و قابل قبول‌تر به نظر می‌آید که به اهمیت تأثیرپذیری سیاست خارجی روسیه از ایدئولوژی رهبران کشور تأکید می‌گذارد. سپس برای تبیین علل و عواملی که بر سیاست خارجی روسیه در آفریقا تأثیرگذار بوده‌اند تعریف کاربردی فرضیه خود را ارائه می‌نماییم. در ادامه سخن به بررسی تغییر و تحولاتی می‌پردازیم که در سیاست خارجی روسیه از اوایل دهه ۱۹۹۰ تا به امروز رخ داده است و سپس اهداف عمده روسیه در آفریقا را بر می‌شماریم و در بخش‌های بعدی ابتدا به بررسی روابط روسیه با مصر و اتیوپی و سپس روابط روسیه با آفریقای جنوبی، زامبیا و آنگولا می‌پردازیم. بررسی سیاست مسکو در قبال این تعداد از کشورهای آفریقایی به ما کمک می‌کند تا تصویر شفاف‌تری از رابطه روسیه با کشورهای آفریقایی به دست آوریم.

بحث نظری

سه دیدگاه مختلف در خصوص سیاست خارجی روسیه در ادبیات سیاسی جهان یافت می‌شود.^۱ طبق یکی از این نظریه‌ها، روسیه برای رسیدن به اهداف استراتژیک و تأمین امنیت خود در عرصه سیاست بین‌الملل فعالیت می‌کند و همواره این احتمال وجود دارد که روسیه مورد حمله نظامی دشمنان خود قرار بگیرد؛ بنا بر این، کرملین می‌باید برای افزایش توان نظامی کشور به طور جدی تلاش و از تهدیدات خارجی جلوگیری کند و برای تأمین امنیت روسیه در صحنه روابط بین‌الملل اهتمام ورزد. به موجب نظریه دیگر، روسیه با کشورهای دیگر روابط دیپلماتیک برقرار می‌کند تا از این طریق به منافع

اقتصادی مورد نظر خود دست یابد. به طور کلی روسیه جهت تأمین نیازهای اقتصادی خود، باید از منابع موجود در کشورهای دیگر استفاده کند و به همین سبب، می‌کوشد تا با ایجاد روابط نزدیک‌تر با کشورهای دیگر و گسترش روابط خود با کشورهای مختلف به منابع اقتصادی موجود در کشورهای دیگر دست پیدا و از این منابع به نفع خود بهره‌برداری نماید. اما طبق نظریهٔ سوم، رهبران روسیه بر اساس اصول و ارزش‌های خاصی اقدام به ایجاد روابط سیاسی با دیگر کشورها می‌کند و اصولاً سیاست خارجی روسیه تابع دیدگاه سیاسی رهبران این کشور است. امروزه روسیه می‌کوشد تا جایگاه مناسبی در عرصهٔ سیاست بین‌الملل پیدا کند و رهبران این کشور برای تقویت جایگاه روسیه در صحنهٔ روابط بین‌الملل با کشورهای قدرتمندی چون آمریکا همکاری می‌کنند و در کل، می‌کوشند تا روابط گسترده‌تری با کشورهای دیگر برقرار سازد. روسیه برای تأمین منافع خود و دستیابی به جایگاه مناسب‌تری در عرصهٔ سیاست بین‌الملل به گسترش روابط دیپلماتیک با کشورهای مختلف علاقه نشان می‌دهد و در این راستا برای ایجاد ثبات و تنش‌زدایی در روابط بین‌الملل ارزش و اعتبار خاصی قائل است.

از نظر ما، دیدگاه سوم در مقایسه با دیدگاه‌های دیگر قابل قبول‌تر و معقول‌تر جلوه می‌کند. اصولاً روسیه در شرایط حاضر از سوی کشورهای دیگر به طور جدی تهدید نمی‌شود؛ از این رو، کرملین تنها به طور جنبی برای تأمین امنیت کشورش تلاش می‌کند و از طرف دیگر، روابط کرملین با کشورهای دیگر بیشتر برای پیشبرد منافع سیاسی این کشور سودمند است و نمی‌توان گفت که روسیه در ایجاد روابط سیاسی با کشورهای دیگر قصد بهره‌برداری اقتصادی از آنها را دارد. به طور کلی برای روسیه مسئلهٔ تأمین امنیت کشور یا بهره‌برداری اقتصادی از منابع کشورهای دیگر اهمیت کمتری دارد تا مسئلهٔ مدیریت روابط بین‌الملل و ایجاد ثبات در صحنهٔ بین‌المللی. از این رو، به نظر می‌آید که امروزه سیاست خارجی روسیه به نحوی طراحی می‌شود تا این کشور بتواند از

ثبات موجود در عرصه سیاست بین‌الملل برای تقویت جایگاه خود بین کشورهای دیگر دنیا در دراز مدت استفاده کند و یک پله پایین‌تر از آمریکا در صحنه روابط بین‌الملل حضوری فعال داشته باشد.

بنا بر آنچه گفته شد، اصولاً سیاست خارجی روسیه بر اساس اصول و ارزش‌های سیاسی رهبران این کشور شکل گرفته است^۲ که عمده‌ترین هدف آن، ایجاد ثبات و صلح در روابط بین‌الملل است. از این رو، روسیه در ایجاد روابط دیپلماتیک و سیاسی با کشورهای دیگر از جمله کشورهای آفریقایی می‌کوشد تا با همکاری این کشورها به ایجاد ثبات در مناطق مختلف دنیا کمک و حتی الامکان از بروز درگیری و مناقشه در داخل کشورها یا بین کشورها جلوگیری کند.

بدین‌سان، می‌توانیم بر اساس نظریه مذکور فرضیه خود را مطرح نماییم و آن را مورد آزمون قرار دهیم. در ادامه بحث، با ارائه شواهدی نشان خواهیم داد که رهبران روسیه در ایجاد روابط سیاسی با کشورهای آفریقایی درصددند تا با ایجاد ثبات به کاهش درگیری‌های سیاسی و نظامی در آفریقا کمک کنند و البته در ضمن، تا حدی به گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای آفریقایی علاقه نشان می‌دهند؛ چون این می‌تواند به ایجاد ثبات و فضای مناسب سیاسی در کشورهای یاد شده کمک کند. بدین‌سان، تعریف کاربردی ما از فرضیه ارائه شده این است که با بالا رفتن امکان ایجاد ثبات در آفریقا و همکاری اقتصادی بین کشورهای آفریقایی و روسیه، مسکو علاقه بیشتری به ایجاد روابط سیاسی و دیپلماتیک با کشورهای آفریقایی نشان می‌دهد. بنا بر این، متغیر وابسته توسعه روابط سیاسی مسکو با کشورهای آفریقایی و متغیر مستقل میزان تلاشی است که مسکو در جهت ایجاد ثبات و گسترش روابط اقتصادی خود با کشورهای آفریقایی به‌خرج می‌دهد.

تغییر و تحول در روابط خارجی روسیه بعد از فروپاشی شوروی

میخائیل گورباچف، به عنوان رهبر اتحاد جماهیر شوروی، اولین و به تعبیر اکثر کارشناسان مهم ترین گام‌ها را جهت ایجاد تغییر و تحول در سیاست خارجی روسیه برداشت.^۳ گورباچف از تفکر نوین کرملین برای ایجاد تغییراتی در سیاست خارجی روسیه صحبت به میان آورد و اعلام داشت که قصد دارد سیاست خارجی اتحاد جماهیر شوروی را تغییر دهد که تحت نظر استالین و بعداً خروشچف و برژنف شکل خاصی گرفته بود. گورباچف از ایجاد روابط نزدیک و دوستانه با کشورهای غربی سخن راند و روابط کرملین با کشورهای سوسیالیستی، جنبش کمونیست بین‌الملل و کشورهای جهان سوم را مورد تجدید نظر قرار داد. گورباچف اصلاحاتی را در زمینه سیاست خارجی شوروی به انجام رساند که تدریجاً باعث شد تا روابط مسکو با غرب بهبود یابد و بدین سان، جنگ سرد بین کشورهای بلوک شرق و غرب پایان یافت و قرار شد تا مسکو برای ایجاد همبستگی هر چه بیشتر با کشورهای غربی، گام‌های بلندی بردارد. گورباچف منتظر نشد تا کشورهای غربی برای ایجاد روابط مناسب با مسکو اقدام کنند، بلکه خود با عزم راسخ سیاست خارجی شوروی را تغییر داد و موفق شد تا رقابت تسلیحاتی و هسته‌ای با واشنگتن را تا حد قابل ملاحظه‌ای کاهش دهد و با ایجاد روابط دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی با آمریکا و همین‌طور کشورهای دیگر غربی تا حد زیادی سیاست خارجی شوروی را متحول ساخت و به تدریج مسکو توانست با کشورهای غربی روابط دوستانه‌تر و نزدیک‌تری برقرار نماید.

قبلاً رهبران اتحاد جماهیر شوروی دنیا را به دو بلوک شرق و غرب یا کمونیستی و سرمایه داری تقسیم نموده، سعی در خنثی نمودن ترفندها و اعمال خصمانه کشورهای غربی داشتند و هیچ‌گاه برای ایجاد روابط نزدیک و دوستانه با کشورهای بلوک غرب ارزش و اهمیت خاصی قائل نمی‌شدند. اما از دوران زمامداری گورباچف به بعد،

رهبران روسیه از رویارویی با کشورهای غربی اجتناب جسته و با کشورهای غربی در زمینه های مختلف همکاری کرده و مایل بوده اند روسیه جزئی از بلوک غرب به حساب آید و از این رو، روسیه به همراه کشورهای غربی برای ایجاد دموکراسی در کشورهای مختلف تلاش می کند. روسیه نیاز مبرمی به کمک های اقتصادی و فنی کشورهای غربی دارد و می کوشد تا با کشورهای یاد شده روابط نزدیک تری برقرار کند. رهبران روسیه در عرصه داخلی کشور از قانونمندی و گسترش آزادی های فردی و جمعی سخن به میان آورده، در حوزه اقتصادی و در داخل کشور تغییرات مناسبی ایجاد کرده اند تا کارایی نظام اقتصادی کشور افزایش یابد؛ نظامی که مدت ها به وسیله دولت تنظیم و اداره می شد، اکنون توسط بخش خصوصی اداره شود و بازار آزاد رونق گیرد. قطعاً تغییراتی که در عرصه داخلی کشور رخ داده بر سیاست خارجی روسیه تأثیر گذاشته است و مسکو برای ایجاد دموکراسی و گسترش بازار آزاد در داخل کشور می تواند از کشورهای غربی کمک بگیرد. تدریجاً از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد سیاست خارجی روسیه رنگ و بوی تازه ای یافته و مسکو به دلایل مختلف کوشیده است تا خود را به کشورهای غربی نزدیک کند و اعلام داشته است که همانند کشورهای غربی در عرصه سیاست بین الملل به دنبال احقاق حقوق مردم و استحکام دموکراسی و قانونمندی است.

در این بین، مسکو از لحاظ ایدئولوژیکی دیگر حاضر نیست از دولت های کمونیست کره شمالی، کوبا، چین و ویتنام حمایت کند. روابط مسکو با کشورهای جهان سوم که زمانی متحدین مسکو به حساب می آمدند و از لحاظ استراتژیکی و ایدئولوژیکی برای رهبران شوروی سابق مهم بودند نیز چندان محتمل نیست.

دولتهای هند، عراق، لیبی، اتیوپی، نیکاراگوئا و چند کشور دیگر جهان سوم از بابت تغییراتی که در شوروی رخ می داد ابراز نگرانی می نمودند. در دوران جنگ سرد مسکو از لحاظ اقتصادی به تعداد قابل توجهی از کشورهای جهان سوم کمک می کرد، ولی بعد

از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، رهبران روسیه عقیده دارند که دیگر نمی‌توانند مثل گذشته به کشورهای جهان سوم کمک اقتصادی کنند و بدین سبب، کمک‌های بلاعوض روسیه به کشورهای جهان سوم که با مسکو رابطه نزدیکی داشتند کاهش یافته است. مسکو نیاز مبرمی می‌بیند تا برای حل معضلات اقتصادی داخل کشور بودجه بیشتری در نظر گیرد. روسیه در روابط اقتصادی خود با کشورهای جهان سوم تغییراتی ایجاد کرده است تا روابط اقتصادی موجود به نفع طرفین تمام شود. مسکو اعلام داشته است که کشورهای جهان سوم باید از درگیری‌های ایدئولوژیکی با دیگر کشورها اجتناب ورزند، به فکر ایجاد تحول در ساختار اقتصادی کشور باشند، به کمک‌های اقتصادی مسکو متکی نباشند و وام‌هایی را که از مسکو اخذ کرده‌اند در اسرع وقت بازپرداخت نمایند. البته پوتین در چند سال اخیر سعی داشته است تا جایگاه روسیه را در عرصه روابط بین‌الملل تقویت کند و به همین منظور، برخورد ملایم‌تری با کشورهای جهان سوم پیش گرفته است. مثلاً روسیه در آفریقا تلاش دارد تا روابط نزدیک‌تری با کشورهای جنوبی برقرار کند. اما به هر حال، نکته قابل توجه اینکه بعد از به قدرت رسیدن گورباچف، روسیه میل و اشتیاق زیادی به حمایت همه جانبه از دولت‌های به اصطلاح استقلال طلب و دولت‌هایی نشان نمی‌دهد که با نظام سرمایه‌داری ضدیت دارند و نمی‌خواهند با کشورهای غربی روابط نزدیک‌تری داشته باشند. روسیه اکنون نگاه واقع بینانه‌تری به روابط خود با کشورهای جهان سوم دارد و با در نظر گرفتن منافع اقتصادی خود و کم اهمیت شمردن اصول و ارزش‌های ایدئولوژیکی، در صدد است تا روابط خود را با کشورهای جهان سوم طوری تنظیم کند که ضرری متوجه روسیه نشود و در این بین، همواره سود و زیان حاصله را در نظر می‌گیرد. به همین جهت است که روسیه با بعضی کشورهای جهان سوم روابط نزدیک‌تری برقرار نمی‌کند و با کشورهای دیگر از جمله کره جنوبی، استرالیا، نیوزلند و ایران روابط مناسب‌تری پیدا کرده است.

به طور کلی، با توجه به کلیاتی که ذکر شد، تغییرات حادث در سیاست خارجی روسیه، موجب شده است تا مسکو در ایجاد روابط سیاسی با کشورهای دیگر به اهدافی که در پی ذکر می شود توجه بیشتری داشته باشد.

۱. امنیت ملی

رهبران روسیه روابط صمیمانه‌ای با کشورهای غربی برقرار کرده‌اند؛ هر چند روسیه از لحاظ نظامی مستقیماً از سوی کشورهای غربی تهدید نمی شود، اما قصد دارد تا با اتخاذ تمهیداتی از لحاظ نظامی و استراتژیکی از آمادگی لازم برای رویارویی با دشمن برخوردار باشد. روسیه حساسیت خاصی نسبت به مسئله امنیت کشورهای تازه استقلال یافته آسیایی مرکزی دارد و از نفوذ غرب در این منطقه جلوگیری می کند؛ مثلاً در چچن از طریق سرکوب نیروهای استقلال طلب، به دنبال تسلط بر اوضاع و به شدت نگران عواقب ناشی از رشد اصول گرایی اسلامی است. مسکو مثل گذشته برای ایجاد و امنیت و ثبات در کشورهای همسایه و همجوار خود مثل ایران ارزش و اهمیت خاصی قائل است و به همین لحاظ، با ایران روابط خوبی برقرار ساخته است تا در مواقع لازم با ایران همکاری کند و بدین سان، خطر ناشی از ناامنی در کشورهای همجوار برطرف شود.

۲. ارتقای جایگاه روسیه در صحنه روابط بین الملل

اکثر کارشناسان سیاسی در مورد این مطلب هم عقیده‌اند که مردم روسیه همواره احساس ملی گرایی قدرتمندی داشته‌اند و همیشه مسکو خود را در طول تاریخ در صحنه سیاست بین الملل نیرومند جلوه داده است. امروزه با توجه به نفوذ فرهنگ غربی در جامعه روسیه، عده‌ای از روس‌ها نگران این مسئله‌اند که فرهنگ و میراث روسیه تحت

تسلط فرهنگ و تمدن غربی قرار گیرد و بدین سان، اعتقادات و رسوم رایج در کشور صدمه دیده، موجودیت فرهنگی و ملی روسیه پایمال گردد و به همین منوال، روسیه نتواند در عرصه روابط بین‌الملل مثل گذشته حضور فعالی داشته باشد و آن چنان که باید و شاید برای حفظ منافع خود اقدام نماید. مسکو برای تثبیت موقعیت خود در جهان با سازمان ملل متحد همکاری نزدیکی دارد، ولی بعضی مواقع به دیگر کشورها نشان می‌دهد که بدون همکاری مسکو، سازمان ملل متحد و شورای امنیت نمی‌توانند به اهداف مورد نظر خود نائل آیند. در حال حاضر روسیه کماکان در محافل بین‌المللی و در زمینه‌های مختلف خود را کشوری توانمند و قدرتمند جلوه می‌دهد و احتمالاً این مسئله در آینده هم تداوم خواهد داشت.

۳. تقویت موقعیت اقتصادی روسیه

بعد از فروپاشی شوروی، روسیه روابط تجاری و اقتصادی خود را با کشورهای مختلف به خصوص کشورهای غربی تقویت کرده، برای توسعه صادرات کشور اهتمام ورزیده و از سرمایه‌گذاری خارجی برای تقویت بنیه اقتصادی کشور استقبال کرده است. روسیه مثل بسیاری از کشورهای دنیا قصد دارد که از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی، به خصوص سرمایه‌گذاری آمریکا و کشورهای اروپایی، به توسعه صنایع داخلی کمک کند و در نتیجه، کالاهای بیشتری به کشورهای دیگر صادر کند. روسیه از تحریم اقتصادی کشورهایی مثل عراق به‌طور جدی حمایت نکرد، چون این اقدام از لحاظ اقتصادی به نفع مسکو نبود.

۴. حفظ ثبات در عرصه روابط بین‌الملل

شاید هیچ یک از اهداف سه‌گانه‌ای که از آنها نام برده‌ایم به اندازه این هدف برای

مسکو مهم و ارزشمند نباشد. به جرئت می‌توان گفت که اهداف مذکور زیر مجموعه این هدف هستند؛ چون روسیه از لحاظ ایدئولوژیکی به گسترش همکاری‌های خود با کشورهای دیگر خصوصاً کشورهای غربی علاقه زیادی نشان می‌دهد و این امر خود، مستلزم ایجاد ثبات در صحنه روابط بین‌الملل است. به طور کلی روسیه در موقعیتی قرار دارد که باید به فکر حل مشکلات عمده داخل کشور باشد و رهبران روسیه ایدئولوژی خاصی را برای حل این مشکلات تدارک دیده‌اند. از دیدگاه آنها، روسیه باید برای تنش‌زدایی و ایجاد ثبات در عرصه روابط بین‌الملل اهتمام ورزد تا از این طریق، همکاری‌های مسکو با کشورهای دیگر رونق یابد و در نهایت، از طریق جذب سرمایه و تکنولوژی پیشرفته به درصد رشد اقتصادی بالاتری نائل آید. وقتی در صحنه روابط بین‌الملل ثبات برقرار شود، روسیه می‌تواند طبق ضوابط موجود و به‌طور حساب شده همکاری‌های خود را با دیگر کشورها گسترش دهد و موقعیت خود را در صحنه روابط بین‌الملل حفظ کند.

بنا بر این، عمده‌ترین هدف روسیه بعد از فروپاشی شوروی دستیابی به ثبات در عرصه سیاست بین‌الملل است. مسکو از این طریق می‌کوشد تا بر مشکلات داخلی خود فائق آید و از راه گسترش همکاری‌های خود با کشورهای مختلف، جایگاه و موقعیت خود را در جهان حفظ کند و در نتیجه، گام مثبتی برای تأمین منافع ملی خود بردارد. روسیه نیم‌نگاهی به ایجاد امنیت برای کشور، حفظ و ارتقای جایگاه خود در مقایسه با دیگر کشورهای رقیب در عرصه روابط بین‌الملل دارد و به همین ترتیب، برای تقویت موقعیت اقتصادی خود اهتمام می‌ورزد، اما از همه بیشتر به ایجاد صلح و ثبات و کاهش درگیری‌ها در مناطق مختلف جهان علاقه‌مندی نشان می‌دهد تا بدین وسیله، بتواند به خوبی سیاست خود را در دوران فعلی تنظیم و به مرحله اجرا بگذارد. البته بررسی سیاست‌های مسکو در قبال کشورهای خارجی همواره این نکته را هم مشخص نموده

است که رهبران روسیه خواهان ایجاد تسلط سیاسی بر دیگر کشورها هستند و در مواقع لازم در این راستا از بکارگیری زور خودداری نمی‌کنند. نباید تصور کنیم که مسکو صرفاً از طریق ایجاد روابط مسالمت‌آمیز با دیگر کشورها برای رسیدن به منافع خود در صحنه سیاست بین‌الملل اقدام می‌کند و باید توجه داشت که تلاش مسکو برای ایجاد ثبات و تنش‌زدایی در جهان فقط به‌طور مقطعی برای مسکو حائز اهمیت است و احتمالاً در آینده تمایل بیشتری به کاربرد خشونت علیه دیگر کشورها برای تأمین منافع ملی خود نشان خواهد داد.

کلیاتی دربارهٔ روابط روسیه با کشورهای آفریقایی

در این بخش پاسخ به این سؤال مد نظر است که بعد از فروپاشی شوروی روابط روسیه با کشورهای آفریقایی چگونه بوده و روسیه برای رسیدن به اهداف مورد نظر خود در آفریقا به‌خصوص ایجاد ثبات و تنش‌زدایی چه گام‌هایی برداشته است. از نظر کارشناسان، دیدگاه رهبران روسیه نسبت به کشورهای شمال و شرق آفریقا با کشورهای جنوب صحرائی آفریقا تفاوت دارد. روسیه همواره برای توسعهٔ ارتباطات و حمل و نقل کالاهای خود از طریق دریا و راه‌های آبی به وضعیت کشورهای شمال و شرق آفریقا توجه داشته و علاقه‌مند به برقراری امنیت در کشورهایی چون مصر و اتیوپی بوده است تا بدین ترتیب، منافع روسیه تأمین گردد.^۴ روسیه در جنوب صحرائی آفریقا به‌دنبال ایجاد روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهایی چون زامبیا یا آفریقای جنوبی بوده و چندان نگران نبوده است که آیا کشورهای منطقه از امنیت کافی برخوردارند یا خیر. البته همان‌طور که قبلاً اشاره شد، روسیه چه در دوران قبل از فروپاشی شوروی و چه در دوران فعلی، در وهلهٔ اول به فکر ایجاد روابط دیپلماتیک و سیاسی با کشورهای همسایه و همجوار خود بوده است. در گذشته شوروی برای ایجاد رابطهٔ سیاسی با کشورهای

آفریقایی ارزشی قائل نبود و این موضوع تا موقعی که پوتین زمام قدرت را به دست گرفت، تقریباً صحت داشت. در سال‌های اخیر و بعد از روی کار آمدن پوتین، دولت روسیه سعی در گسترش روابط با کشورهای آفریقایی دارد و ارزش و اعتبار بیشتری برای ایجاد روابط سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی با کشورهای آفریقایی قائل است.

اما در حال حاضر روسیه چه نقشی در آفریقا ایفا می‌کند؟ در دوران جنگ سرد مسکو در رقابت با آمریکا با کشورهای آفریقایی رابطه برقرار کرد. در قاره آفریقا هیچ مسئله‌ای به اندازه درگیری و مناقشه در داخل کشورها یا بین کشورهای مختلف منطقه‌ای از لحاظ سیاسی حائز اهمیت نبوده است. مداخله آمریکا و روسیه طی دوران جنگ سرد در این تعداد از کشورها باعث می‌شد تا درگیری‌ها ادامه یابد یا شدت بیشتری پیدا کند؛ زیرا طرفین دعوا می‌توانستند از مسکو یا واشنگتن کمک نظامی بگیرند. البته در کل، عوامل مختلفی بر بروز جنگ و مناقشه در آفریقا تأثیر می‌گذاشتند که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از:

۱. درگیری‌های مرزی: سومالی سال‌ها با مناقشات مرزی روبه‌رو بود و با کشورهای همجوار مثل اتیوپی درگیری نظامی داشت.
۲. ضعیف بودن ساختار اجتماعی: کشورهای استعمارگر اروپایی سال‌ها بر کشورهای آفریقایی تسلط داشتند و برای تأمین منافع خود و نه تأمین منافع مردم فعالیت می‌کردند. مثلاً قبل از اینکه در آفریقای جنوبی نلسون ماندلا زمام قدرت را به دست گیرد، در نظام آپارتاید روابط اقشار و گروه‌های مختلف جامعه از یکپارچگی لازم برخوردار نبود.
۳. نظام دیوان‌سالاری ضعیف در کشورهای آفریقایی هم به ثبات و امنیت، و هم توسعه جامعه لطمه وارد می‌کرد.
۴. فقر و شکاف طبقاتی عظیمی که بین مردم وجود داشت باعث می‌شد تا هرکس

به فکر تأمین منافع خود باشد و کمتر برای قوانین جاری احترام قائل شود. همین موضوع باعث ایجاد تنش در جوامع آفریقایی می‌شد.

عوامل مذکور ایجاد درگیری بین کشورهای آفریقایی را به دنبال داشت و در ضمن دو ابرقدرت جهان، یعنی آمریکا و شوروی، نیز به آن دامن می‌زدند. وقتی شوروی قادر بود در کشورهای آفریقایی حضور فعالی داشته باشد که این کشورها با یکدیگر بر سر مسائل مختلف در می‌افتادند و چون این تعداد از کشورها نیاز مبرمی به تسلیحات نظامی داشتند از مسکو می‌خواستند که تسلیحات نظامی مورد احتیاج را در اختیار آنها قرار دهد. روسیه از یک طرف، می‌دانست که می‌تواند نیاز کشورهای مزبور را تأمین نماید و از طرف دیگر، به دلیل رقابت تنگاتنگ با آمریکا و عدم تمایل برای دخالت واشنگتن در این کشورها، نیاز تسلیحاتی کشورهای آفریقایی را پاسخ می‌داد. مثلاً روسیه به درخواست کمک نظامی دولت سومالی جواب مثبت داد و این کشور در سال ۱۹۷۷ فرصت مناسبی پیدا کرد تا با اشغال «اگاندن» از سوی نیروهای نظامی اتیوپی مخالفت کند و بدین ترتیب، سومالی و اتیوپی با یکدیگر درگیر شدند. به همین منوال، می‌توان درگیری دو جناح سیاسی در آنگولا را مورد بررسی قرار داد. در جنگ داخلی آنگولا جناح چپ‌گرای «ام. پی. ال. ای» با جناح سیاسی دیگری که اصطلاحاً «یونیتا» خوانده می‌شود برخورد نظامی پیدا کرده است. از آنجا که آمریکا از لحاظ نظامی با «یونیتا» همکاری داشت و شوروی هم از ارسال کمک‌های نظامی به «ام. پی. ال. ای» اجتناب نمی‌کرد، دو طرف هیچ علاقه‌ای به کاهش یا قطع درگیری نظامی با یکدیگر نشان نمی‌دادند. بدین ترتیب، عوامل داخلی و حمایت آمریکا و شوروی از کشورهایی که با یکدیگر درگیری نظامی داشتند به بی‌ثباتی، ناامنی و تداوم خصومت‌ها در آفریقا دامن می‌زد. در همین حال، رقابت آمریکا و شوروی بر عملکرد سازمان ملل متحد هم تأثیر سوء بر جای می‌گذاشت و این امکان را به وجود نمی‌آورد که سازمان ملل برای تأمین

صلح و امنیت و ثبات در آفریقا، اقدام درخور توجهی انجام دهد.

بعد از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، و به دنبال قطع رقابت شوروی و آمریکا در آفریقا، کشورهای قاره سیاه دیگر مثل گذشته قادر نیستند از کمک‌های نظامی خارجی استفاده کنند؛ بنا بر این، انتظار می‌رود که این امر به ایجاد ثبات و امنیت، و کاهش درگیری‌های کمک‌کند. احتمالاً از این پس کشورها بیشتر از طریق انجام مذاکرات برای رفع مشکلات خود اقدام خواهند کرد. مثلاً در آنگولا به علت اینکه نیروهای متخاصم دیگر اتکایی به کمک‌های نظامی مسکو و واشنگتن ندارند، آمادگی بیشتری برای انجام مذاکرات در جهت پایان بخشیدن به درگیری‌ها از خود نشان می‌دهند. اما نباید انتظار داشت که آرامش و صلح در قاره سیاه حاکم شود؛ زیرا مسائل داخلی کشورهای آفریقایی باعث می‌شود تا درگیری‌ها ادامه یابد و با کاهش نقش روسیه و آمریکا در قاره آفریقا، بعضی از مشکلات ریشه‌دار و قدیمی در داخل کشورها کماکان باعث ایجاد بی‌ثباتی و درگیری مسلحانه بین کشورها یا در داخل کشورها و بین جناح‌های متخاصم می‌شود. مثلاً در جنگ داخلی سودان گروه‌های متخاصم به دلایل مختلف حاضر نیستند برای خاتمه دادن به جنگ اقدام مؤثری انجام دهند. در عین حال، سازمان ملل متحد احتمالاً نقش مهم‌تری در آفریقا ایفا خواهد کرد؛ زیرا رقابت بین شوروی و آمریکا خاتمه یافته است و همکاری دو کشور در شورای امنیت باعث می‌شود تا سازمان ملل متحد بتواند برای کاهش درگیری‌ها در آفریقا اقدامات مؤثرتری انجام دهد. البته چون سازمان ملل متحد نقش مهم‌تری در آفریقا ایفا می‌نماید و آمریکا هم بیش از گذشته در آفریقا حضور دارد، احتمال اینکه روسیه بتواند به نحو عمده‌ای در آفریقا فعال باشد تضعیف شده است.

در این بین، تنها ابتکار عمل پوتین می‌تواند نقش روسیه را در آفریقا ارتقا بخشد. از آنجا که روسیه قصد درگیری با سازمان ملل متحد و آمریکا را در آفریقا ندارد و به

عکس، تمایل به همکاری با واشنگتن نشان می‌دهد، به حضور فعال آمریکا در کشورهای آفریقایی اعتراض نمی‌کند، اما در عین حال می‌کوشد تا با کشورهای آفریقایی روابط مناسب‌تری برقرار کند. در حال حاضر روسیه با همکاری کشورهای غربی برای ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی در کشورهای آفریقایی برنامه‌هایی تدارک دیده است که در ادامه بدان می‌پردازیم. باید در اینجا به این نکته اشاره شود که در دوران فعلی کاهش رقابت و درگیری بین مسکو و واشنگتن در آفریقا باعث می‌شود تا بعضی از کشورهای قدرتمند آفریقا نقش عمده‌تری در منطقه ایفا نمایند؛ به طور مثال، نیجریه و آفریقای جنوبی علاقه بیشتری به مداخله در اوضاع داخلی کشورهای همجوار از خود نشان می‌دهند.

تأکید شد که مسکو بعد از فروپاشی شوروی کمتر از گذشته به صدور تسلیحات نظامی به کشورهای آفریقایی علاقه نشان می‌دهد و این باعث می‌شود تا زمینه برای ایجاد ثبات و تنش زدایی در آفریقا هموار شود. ولی در عین حال، باید بررسی کرد که در شرایط فعلی کشورهای آفریقایی که به شدت از لحاظ اقتصادی در مضیقه‌اند، چگونه از روابط خود با مسکو سود می‌برند. به طور کلی مسکو بعد از فروپاشی شوروی کمتر از گذشته به کشورهای آفریقایی کمک اقتصادی کرده است. البته پوتین در چند سال اخیر در این زمینه اقداماتی انجام داده که تا حدی کشورهای آفریقایی روابط اقتصادی مناسب‌تری با روسیه برقرار کنند. در شرایط فعلی کمک‌های نقدی و بلاعوض روسیه به کشورهای آفریقایی کاهش یافته است و از آنجا که بسیاری از کشورهای آفریقایی دارای زیرساخت اقتصادی مناسبی نیستند و از لحاظ نیروی انسانی ماهر نیز در مضیقه‌اند، روسیه قادر نیست سرمایه‌گذاری عمده‌ای در کشورهای آفریقایی داشته باشد. سرمایه‌گذاری مسکو می‌تواند به بهره‌برداری از منابع خام و معادن کشورهای آفریقایی معطوف باشد. باید گفت که کشورهای آفریقایی از معادن فراوان مس، طلا و نقره

برخورد دارند، ولی صنایع پیشرفته‌ای ندارند؛ از این رو، باید میزان سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع داخلی کشورهای آفریقایی افزایش یابد. روسیه فعلاً تا حدی حاضر است تا در بخش صنعت کشورهای آفریقایی سرمایه‌گذاری کند و با همکاری بخش خصوصی و دولتی قصد دارد تا کشورهای آفریقایی با سرعت هر چه بیشتر از لحاظ اقتصادی پیشرفت نمایند. اما برای شناخت هر چه بیشتر روابط روسیه با کشورهای آفریقایی لازم است به بررسی سیاست‌های جدید دولت پوتین در قبال کشورهای آفریقایی بپردازیم.

ولادیمیر پوتین اخیراً طی پیامی روز آفریقا را به سران آفریقایی تبریک گفت و اظهار داشت که باید کشورها برای ایجاد صلح و ثبات و ایجاد همبستگی بیشتر با یکدیگر، و برای استحکام دموکراسی و ایجاد اصلاحات اقتصادی کوشش کنند.^۵

طبق اظهارات پوتین، کشورهای آفریقایی در صحنه سیاست بین‌الملل نقش عمده‌تری نسبت به گذشته ایفا می‌کنند و برای اینکه بتوانند به موفقیت‌های بیشتری در این زمینه دست یابند باید درگیری‌های نظامی پایان یابد و در نتیجه، ثبات سیاسی و اقتصادی در قاره آفریقا برقرار و برای ریشه‌کن کردن فقر گام‌های بلندی برداشته شود. در این پیام اشاره شده است که روسیه آماده است تا در جهت تقویت روابط دو جانبه با کشورهای آفریقایی اقدام کند و از این طریق، نسل فعلی و نسل‌های آتی مردم آفریقا از امنیت و آینده‌ای روشن برخوردار شوند. پیام رهبر روسیه بر این مسئله نیز تأکید داشت که روسیه از سازمان وحدت آفریقا حمایت کرده و حاضر است از اتحادیه آفریقایی نیز حمایت کند.

پوتین اخیراً با رئیس‌جمهور نیجریه در کرملین ملاقات کرد و بعد از اینکه مذاکرات بین دو رئیس‌جمهور پایان یافت، وی اعلام کرد که دولت روسیه می‌کوشد تا روابط خود را با کشورهای آفریقایی گسترش دهد.

قطعاً همان‌طور که پوتین اظهار داشته است، روسیه در وهله اول در صدد است تا از

طریق گسترش روابط خود با کشورهای آفریقایی به درگیری‌ها و مناقشات در قاره آفریقا پایان بخشد که بدین ترتیب، ایجاد ثبات و تنش‌زدایی در اولویت سیاست‌های مسکو قرار گرفته است. اما در عین حال، روسیه برای توسعه همکاری‌های اقتصادی با کشورهای آفریقایی نیز اهمیت قائل است و شرکت‌های خصوصی روسیه از پوتین خواسته‌اند تا روابط مسکو با کشورهای آفریقایی را تقویت کند. شرکت‌های روسی علاقه خاصی به بهره‌برداری از منابع نفت و معادن الماس کشورهای آفریقایی و همچنین صدور تسلیحات نظامی و توسعه صنعت هوا - فضا در این تعداد از کشورها نشان می‌دهند.^۶

در مجموع، پوتین برای گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای آفریقایی اهتمام می‌ورزد و قصد دارد تا بدین وسیله به ایجاد ثبات و کاهش معضلات اقتصادی در این تعداد از کشورها کمک کند. اخیراً پوتین در این مورد چنین اظهار داشته است: «من مطمئنم که کشورهای قاره آفریقا برای حل مشکلات خود اعم از درگیری‌های نظامی و نبود ثبات سیاسی و اقتصادی و گسترش فقر اقدامات مؤثری انجام خواهند داد و عاقبت در این زمینه به موفقیت‌هایی دست پیدا خواهند کرد. کشورهای آفریقایی می‌توانند با اقدامات مفیدی که در این زمینه انجام می‌دهند و با همکاری جامعه بین‌المللی برای حل مشکلات عظیمی که روبه‌روی خود می‌بینند اقدام کنند و به همین علت است که ما امروز شاهدیم که سازمان ملل متحد و مؤسسات بین‌المللی دیگر برای حل مشکلات کشورهای آفریقایی بیش از گذشته اهتمام می‌ورزند».^۷

اما از آنجا که روسیه به همکاری کشورها برای ایجاد ثبات در جهان قائل است، در سال‌های اخیر با همکاری سازمان ملل متحد و مؤسسات بین‌المللی دیگر برای رسیدن به یک رشته اهداف سیاسی و اقتصادی در آفریقا به اقداماتی دست زده است. از یک طرف، روسیه به‌طور مستقیم با دولت‌های آفریقایی برای رسیدن به اهداف سیاسی و

اقتصادی‌شان مذاکره و از طرف دیگر، با مؤسسات مهم بین‌المللی برای رسیدن به یک رشته اهداف خاص در قاره آفریقا همکاری می‌کند. چنان‌که قبلاً گفته شد، روسیه روابط دو جانبه را با کشورهای آفریقایی چون آفریقای جنوبی گسترش داده است. امروزه مقامات روسی برای انجام مذاکرات با سران آفریقایی مرتباً به این تعداد از کشورها سفر می‌کنند یا سران کشورهای آفریقایی برای انجام مذاکرات به مسکو می‌روند.

مسکو به منظور ایجاد ثبات در آفریقا از صدور اسلحه به اتیوپی در سال ۲۰۰۱ خودداری کرد و با برخی از کشورها که قبلاً رابطه نزدیکی نداشت روابط مناسب‌تری برقرار نمود. روسیه از این طریق قصد دارد به هدف اصلی خود یعنی ایجاد ثبات و تنش‌زدایی در آفریقا دست یابد. مسکو برای حل مسئله صحرای مغرب، سران کشورهای مغرب و الجزایر را به گفتگو و مذاکره با یکدیگر تشویق کرده و سعی وافری داشته است تا این کشورها از طریق انجام مذاکرات، راه حل معقولی برای حل مسئله صحرا پیدا کنند. حمایت مسکو از مغرب برای حل مسئله صحرا باعث شده است تا روابط دو جانبه مغرب و روسیه رونق یابد. سران روسیه به تازگی اعلام داشتند که دو طرف در مورد مسائل مهم جهانی مثل مسئله فلسطین و حل مشکل تروریسم با یکدیگر تفاهم دارند و حتی یکی از مقامات روسی چنین اظهار داشت که امروزه مغرب دومین متحد اصلی روسیه در آفریقا به شمار می‌آید.^۸

امروزه مسکو در جهت تقویت روابط اقتصادی خود با کشورهای آفریقایی نیز اهتمام می‌ورزد. مسکو معتقد است که کشورهای آفریقایی باید برای رسیدن به توسعه پایدار تلاش کنند و در این راستا با اتکا بر توانایی‌های خود و با همکاری دیگر کشورها برای حل مسائلی چون فقر اولویت قائل شوند.

مسکو در این زمینه هم برای رسیدن به یک رشته اهداف که از گذشته برای او حائز اهمیت بوده است مثل ارتقای سطح آموزش و تعلیم و تربیت و افزایش امکانات درمانی

را در کشورهای آفریقایی پی می‌گیرد و هم از دید تجاری به مسئله گسترش روابط دو جانبه با کشورهای آفریقایی می‌نگرد. روسیه در بخش انرژی و خصوصاً نفت در کشورهای مثل آنگولا سرمایه‌گذاری کرده است.

مسکو بعد از تجزیه شوروی برای توسعه روابط اقتصادی و تجاری خود با کشورهای آفریقایی ارزش بیشتری قائل است و به غیر از اینکه با کشورهای آفریقایی برای بهره‌برداری از منابع خام و اولیه و مواد معدنی همکاری می‌کند، به‌تازگی صدور تسلیحات نظامی به کشورهای آفریقایی مثل اتیوپی را آغاز کرده است. البته صدور تسلیحات نظامی از جانب روسیه به کشورهای آفریقایی از دوران زمامداری پوتین آغاز شد و بعد از فروپاشی شوروی و در دوران رهبری گورباچف و یلتسین، مسکو تمایل کمتری به کمک مالی و نظامی به کشورهای آفریقایی نشان می‌داد. شروع مجدد صدور اسلحه به آفریقا در سال‌های اخیر فقط از لحاظ اقتصادی برای روسیه حائز اهمیت است؛ چراکه از زمان فروپاشی شوروی تا به امروز، مسکو به‌لحاظ سیاسی علاقه زیادی به ایجاد ثبات و حل مناقشات در قاره آفریقا نشان می‌دهد.

مسکو پس از اضمحلال اتحاد شوروی در مورد بازپرداخت بدهی‌های کشورهای آفریقایی تجدید نظر کرده است و بدین سان، کشورهایی مثل آنگولا دیگر لازم نیست بدهی‌های خود را به مسکو پرداخت کنند و می‌توانند از منابع مالی بیشتری برای مصرف در امور مختلف داخلی کشور استفاده نمایند. جدول شماره ۱ میزان کمک‌های نظامی اتحاد جماهیر شوروی را قبل از فروپاشی نشان می‌دهد.

بعد از اینکه گورباچف زمام قدرت را به‌دست گرفت و همچنین در دوران رهبری یلتسین، کلاً میزان فعالیت‌های اقتصادی مسکو در آفریقا کاهش یافت، اما پوتین به روابط مسکو با کشورهای آفریقایی رونق تازه‌ای بخشیده است و به طرق مختلف با کشورهای آفریقایی در زمینه اقتصادی همکاری می‌کند و چنان‌که اشاره شد، میزان صادرات

جدول ۱

کل کمک‌های نظامی شوروی

به کشورهای آفریقایی بر حسب دلار آمریکایی

سال	میزان کمک‌های نظامی
۱۹۷۷	۴/۲ میلیارد
۱۹۷۸	۴/۲ میلیارد
۱۹۷۹	۴ میلیارد
۱۹۸۰	۳/۷ میلیارد
۱۹۸۱	۴/۳ میلیارد
۱۹۸۲	۳/۶ میلیارد
۱۹۸۳	۴/۱ میلیارد
۱۹۸۴	۴/۹ میلیارد
۱۹۸۵	۳/۳ میلیارد
۱۹۸۶	۳/۱ میلیارد
۱۹۸۷	۳/۷ میلیارد

Source: Neil Mac Farlane. "Russia - Africa and the End of the Cold War" in the *Iranian Journal of International Affairs*, vol 4, No 2, Summer 1992, P.310.

اسلحه روسیه به کشورهای آفریقایی به تازگی رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. چین، هند و ایران مقام اول تا سوم را از لحاظ میزان خرید اسلحه از مسکو احراز نموده‌اند و

مسکو برای صدور اسلحه به کشورهای مختلف گام‌های بلندتری برداشته و در آمریکای لاتین و آفریقا نیز مشتریان زیادی پیدا کرده است. طبق اظهارات یکی از مقامات روسی، ۷۰ درصد تسلیحات نظامی کشورهای آفریقایی توسط روسیه تأمین می‌شود.^۹ مسکو اخیراً با کنگو و کشورهای دیگر آفریقایی مثل زیمبابوه، آنگولا، اتیوپی و اریتره نیز قراردادهای نظامی امضا کرده است. پیش‌بینی می‌شود که نیجر به ۳۰۰ میلیون دلار خرید تسلیحات جنگی از روسیه داشته باشد و برای نوسازی جت‌های جنگی میگ ۲۱ اقدام نماید. روابط اتیوپی و روسیه در زمینه تسلیحاتی جالب‌تر از دیگر کشورهای آفریقایی است. قبلاً دولت چپ‌گرای اتیوپی با شوروی همکاری نزدیکی در زمینه نظامی داشت و افسران اتیوپی در شوروی تعلیم نظامی می‌دیدند و تعداد زیادی از مشاورین نظامی شوروی در اتیوپی فعالیت و به دولت کمک می‌کردند تا از لحاظ نظامی آمادگی پیدا کنند. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ اتیوپی تعداد زیادی تانک، هوایم‌ای جنگی، هلی‌کوپتر و موشک از شوروی خریداری کرد، اما در سال ۲۰۰۰ سازمان ملل متحد تحریم نظامی علیه اتیوپی وضع کرد و بدین سان، قرار شد تا روسیه از ارسال اسلحه به اتیوپی و اریتره خودداری کند.

اما بعد از سال ۲۰۰۱ تحریم نظامی سازمان ملل متحد علیه اتیوپی لغو شد و در این سال اتیوپی ۲۰۰ میلیون دلار اسلحه از روسیه خریداری کرد.^{۱۰} از طرف دیگر، لیبی و مصر نیز اقدام به خرید اسلحه از روسیه نموده‌اند. لازم به توضیح است که در این قسمت از مقاله به‌طور کلی همکاری‌های مسکو با کشورهای آفریقایی بررسی می‌شود و این روابط به‌صورت جزئی‌تر مورد بررسی قرار خواهد گرفت. مصر با آمریکا روابط نزدیکی دارد، ولی قاهره نمی‌خواهد تنها از آمریکا اسلحه خریداری کند؛ بنا بر این، به یکی از مشتریان تسلیحات روسی تبدیل شده است.

در همین حال، روسیه برای جلب نظر رهبران کشورهای آفریقایی اعلام کرده است

که کشورهای مقروض آفریقایی می‌توانند بدهی‌های خود را به مسکو بازپرداخت نکنند. طبق اطلاعات موجود در سال ۲۰۰۱، مقامات روسی اعلام داشتند که ۸۰ درصد از بدهی‌های اتیوپی را بخشیده‌اند و موزامبیک هم به همین منوال فقط باید ۲۰ درصد از بدهی‌های خود را بازپرداخت کند. قبلاً در دوران رهبری دولت چپ‌گرای «منگیتسو هایل ماریان» اتیوپی ۴/۸ میلیارد دلار به شوروی بدهی داشت و مقدار قابل توجهی از این مقدار صرف خرید اسلحه از مسکو شده بود. قرار است روسیه با همکاری باشگاه پاریس در مورد زمان‌بندی بازپرداخت بقیه بدهی‌های اتیوپی به مسکو تصمیم بگیرد. براساس مذاکراتی که از چهار سال پیش بین مقامات دولتی روسیه و موزامبیک صورت گرفته است، مسکو از پس گرفتن هشتاد درصد از بدهی‌های موزامبیک صرف‌نظر و بدین‌سان، موزامبیک فقط ۵/۹ میلیون دلار به مسکو پرداخت خواهد کرد. صندوق بین‌المللی پول و باشگاه پاریس در حال بررسی این موضوع هستند که موزامبیک چطور باید در مورد بازپرداخت بقیه بدهی‌های خود به مسکو اقدام کند و پیش‌بینی می‌شود که مسکو باز هم از میزان بدهی‌های موزامبیک بکاهد. در همین بین، آنگولا که بیش از دیگر کشورهای آفریقایی به مسکو بدهکار است و قبلاً ۹ میلیارد دلار وام از مسکو گرفته بود، باید تنها بخشی از بدهی‌های خود را به مسکو بازپرداخت کند. چنین به نظر می‌آید که مسکو در این زمینه می‌کوشد تا با چشم‌پوشی از بخشی از بدهی‌های آنگولا، از این کشور امتیازات تجاری بگیرد و بدین وسیله، حضور فعال‌تر اقتصادی در آنگولا داشته باشد. پوتین حاضر است از بدهی‌های آنگولا، موزامبیک و اتیوپی چشم‌پوشی کند و به همین منوال، قرار است تا مقامات دولت روسیه طی مذاکره با سران نیجریه و لیبی، برای آنها امکان بخشودگی وام‌هایی را فراهم آورند که قبلاً از مسکو اخذ کرده بودند.^{۱۱}

کلاً روسیه حاضر است از بازپرداخت بدهی‌های کشورهای آفریقایی صرف‌نظر کند

و این در صورتی است که کشورهای آفریقایی با مسکو همکاری اقتصادی بیشتری داشته باشند و به مسکو اجازه دهند تا در این تعداد از کشورها سرمایه‌گذاری کند. روسیه قرار است در زمینه اقتصادی با نیجریه و لیبی و مثلاً در ساختمان‌سازی یا توسعه صنعت هوا - فضا با کشورهای مذکور همکاری نزدیک‌تری داشته باشد.

اما در سال جاری مسکو از طریق اجلاس گروه هشت، گام مثبتی برای کمک‌رسانی به کشورهای آفریقایی جهت نیل به توسعه پایدار برداشته است.^{۱۲} روسیه از طریق همکاری کشورهای صنعتی و همچنین با همکاری کشورهای آفریقایی اقدام به اجرای برنامه‌هایی به وسیله «اتحادیه جدید برای توسعه آفریقا» معروف به «نپاد»^{*} نموده است. اساساً این طرح به وسیله کشورهای توسعه یافته طراحی شده است و در جهت اجرای برنامه‌هایی که به رشد و توسعه آفریقا کمک می‌کند به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. کشورهای توسعه یافته و کشورهای آفریقایی قول داده‌اند که هر یک به نوبه خود به توسعه آفریقا کمک کنند. «اتحادیه جدید برای توسعه آفریقا» اقدام به اجرای برنامه ضربتی گروه هشت برای آفریقا نموده است. برنامه ضربتی گروه هشت برای آفریقا به موضوعاتی زیر اشاره می‌کند: *شکاف علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

۱) کشورهای آفریقایی باید بتوانند گام‌های بلندتری برای رسیدن به توسعه پایدار بردارند، ولی تا به حال کلیه اقداماتی که در این زمینه انجام شده است نتیجه بخش نبوده است و به‌رغم اینکه کشورهای آفریقایی دارای نیروی انسانی هستند، با چالش‌های عظیم‌تری در مقایسه با دیگر کشورهای دنیا روبه‌رو هستند.

۲) برنامه ضربتی گروه هشت برای آفریقا از کشورهای آفریقایی می‌خواهد برای تحکیم دموکراسی و مدیریت اقتصادی بهینه اقدام کنند و از ایجاد صلح و امنیت و توسعه برای تأمین منافع مردم حمایت کنند. رهبران کشورهای آفریقایی اعلام داشته‌اند

که از حقوق بشر و مدیریت دولتی کارآمد حمایت می‌کنند و از سرمایه‌گذاری خارجی برای رسیدن به درصد رشد اقتصادی بالاتر بهره خواهند گرفت و از این طریق، برای ریشه‌کن کردن فقر اقدام نموده، با همکاری دیگر کشورها برای رسیدن به توسعه پایدار اهتمام خواهند ورزید.

۳) کشورهای گروه هشت می‌کوشند تا روابط نزدیک‌تری با کشورهای آفریقایی برقرار کنند و همکاری گروه هشت با کشورهای آفریقایی منوط به عملکرد کشورهای آفریقایی و تلاش آنها برای پاسداری از قوانین جاری در مملکت و حمایت از مردم و افزایش درصد رشد اقتصادی و ریشه‌کن کردن فقر می‌باشد. اگر کشورهای آفریقایی مسئولیت‌پذیر باشند و به تعهداتشان عمل کنند، کشورهای گروه هشت هم برای ایجاد صلح و امنیت در آفریقا تلاش خواهند کرد و هم برای افزایش میزان تخصص نیروی انسانی کشورها گام برداشته، اقدام به ایجاد روابط تجاری و سرمایه‌گذاری در کشورها نموده و به کشورهای آفریقایی کمک بیشتری خواهند کرد.

۴) گروه هشت از کلیه امکانات بین‌المللی برای حمایت از اقداماتی که دولت‌های آفریقایی برای رسیدن به توسعه پایدار انجام می‌دهند استفاده خواهد کرد.

۵) گروه هشت عملکرد کشورهای آفریقایی را مرور خواهد کرد و اگر نمایندگان هشت کشور صنعتی دنیا به این نتیجه برسند که دولتی برای بهبود زندگی مردم اقدام نمی‌کند، دیگر از آن حمایت نخواهند کرد.

۶) البته وقتی کشورها نیاز مبرمی به کمک‌های خارجی داشته باشند؛ گروه هشت بدون توجه به نوع حکومت و سابقه دولتمردان برای کمک رساندن به آن کشورها اقدام خواهند نمود.

۷) برای سرعت بخشیدن به روند توسعه کشورهای آفریقایی، گروه هشت حاضر است کمک‌های نقدی و غیرنقدی خود را به کشورهای آفریقایی افزایش دهد و میزان

کمک‌های اقتصادی گروه هشت به کشورها بستگی به این دارد که آیا کشورها در عمل برای حل مشکلات مردم اهمیت قائل هستند یا خیر.

گروه هشت برای حل مسائل مربوط به رشد و توسعه کشورهای آفریقایی از اولویت‌هایی که در زیر ذکر می‌شود سخن به میان آورده است.

۱. ایجاد صلح و امنیت

در این زمینه باید تلاش بیشتری صورت بگیرد تا اختلافات و مناقشات نظامی بین کشورها محل و فصل شود. در این راستا برای ایجاد صلح در آنگولا، سیرالئون، کنگو و سودان اقداماتی انجام و از اقدامات سازمان ملل متحد جهت ایجاد صلح و ثبات در قاره آفریقا نیز حمایت خواهد شد.

۲. تقویت مؤسسات و مدیریت دولتی

دولت‌های آفریقایی باید بتوانند به نحو احسن امور مربوط به خود را اداره کنند و قطعاً اگر مدیریت دولتی ضعیف باشد، سرمایه خصوصی نیز نمی‌تواند به خوبی در زمینه‌های مختلف جریان یابد. دولتمردان باید برای دموکراسی ارزش قائل شوند و مثلاً باید انتخابات عادلانه برگزار شود و همچنین باید دولت‌ها با همکاری مؤسساتی چون صندوق پول بین‌الملل برای سامان بخشیدن به اوضاع اقتصادی کشورشان تلاش کنند. باید کشورهای آفریقایی به حقوق زنان و حقوق بشر ارجح نهاد و مؤسسات دولتی در این زمینه به نحو مؤثرتری فعالیت نمایند. در ضمن باید از شیوع فساد میان دولتمردان جلوگیری شود.

۳. افزایش روابط تجاری خارجی

باید میزان سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای آفریقایی افزایش یابد تا کشورهای آفریقایی بتوانند با استفاده از تکنولوژی پیشرفته محصولات پیشرفته تولید نمایند. باید امکاناتی فراهم آید تا کشورهای آفریقایی بتوانند بیش از گذشته محصولات کشاورزی

خود را صادر کنند و باید کشورهای توسعه یافته برای واردات محصولات کشاورزی از آفریقا اولویت قائل شوند.

۴. بخشودگی وام‌ها

اگر کشورهای آفریقایی بتوانند از امکانات خود به نحو مناسب‌تری بهره‌برداری نمایند، کشورهای صنعتی حاضرند با کشورهای آفریقایی در زمینه مالی بیش از گذشته همکاری کنند و امکان بخشودگی بدهی‌های کشورهای مقروض آفریقایی را فراهم سازند.

۵. حمایت از آموزش

کشورهای گروه هشت اعلام آمادگی می‌کنند که از تلاش کشورهای آفریقایی برای ارتقای سطح کیفی آموزش و تعلیم و تربیت حمایت نمایند.

۶. کمک به بهداشت و درمان

کشورهای گروه هشت تمهیدات تازه‌ای اتخاذ کرده، به مرحله اجرا می‌گذارند تا کشورهای آفریقایی کمتر از گذشته از لحاظ امکانات درمانی در مضیقه باشند و خصوصاً برای جلوگیری از شیوع بیماری‌های ایدز اقدامات مؤثرتری انجام دهند.

۷. کمک به توسعه کشاورزی

کشورهای گروه هشت از این مطلب آگاهی دارند که برای حل مشکلات اقتصادی مردم آفریقا باید برای توسعه بخش کشاورزی کشورهای مختلف اولویت قائل شوند و در این زمینه نیز گروه هشت از طرق مختلف به کشورهای آفریقایی کمک خواهد کرد و امیدوار است که بدین وسیله، گام مؤثرتری برای فقرزدایی در آفریقا بردارد. در عین حال، باید کشورهای آفریقایی بتوانند از منابع آب موجود در کشور به نحو احسن بهره‌برداری کنند که گروه هشت در این زمینه نیز به کشورهای آفریقایی کمک خواهد کرد.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، روسیه با همکاری هفت کشور دیگر صنعتی جهان برای کمک به توسعه قاره آفریقا تلاش بیشتری به خرج می‌دهد. روسیه در مجموع برای ثبات و تنش‌زدایی در آفریقا و در ضمن، توسعه همکاری‌های اقتصادی خود با کشورهای مختلف منطقه اولویت قائل شده است و چه از طریق همکاری با کشورهای توسعه یافته و چه از طریق ایجاد روابط دو جانبه می‌کوشد تا حضور فعال‌تری در قاره آفریقا داشته باشد. مثلاً روسیه در آنگولا برای پایان بخشیدن به جنگ داخلی کشورها تمهیداتی اتخاذ کرده و به مرحله اجرا گذاشته و برای توسعه همکاری‌های اقتصادی نیز اقدام به سرمایه‌گذاری در بخش انرژی و خصوصاً نفت در آنگولا نموده است. در این بخش توضیحاتی کلی درباره روابط روسیه با کشورهای آفریقایی ارائه شد و در ادامه سخن به تشریح روابط مسکو با چند کشور آفریقایی می‌پردازیم.

روابط روسیه با مصر و اتیوپی

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، روابط روسیه با مصر و اتیوپی نسبت به روابط روسیه با کشورهای جنوب صحرای آفریقا متفاوت است و مسکو همواره در قبال مسائل مربوط به ژئوپولیتیک شمال و شرق آفریقا حساسیت زیادی از خود نشان داده و سعی داشته است تا به هر وسیله امنیت این منطقه را تأمین کند. روسیه با حکومت چپ‌گرای اتیوپی قبل از فروپاشی شوروی روابط تنگاتنگی داشت، ولی در آن موقع نمی‌توانست در شمال آفریقا نفوذ زیادی داشته باشد؛ چون این منطقه تحت سیطره فرانسه بود. امروزه نیز روسیه با دولت‌های محافظه‌کار شمال آفریقا که قبلاً با مسکو رابطه خوبی نداشتند روابط بهتری برقرار و مثلاً با دولت مغرب روابط تنگاتنگی ایجاد کرده است و در عین حال، همچنان به حمایت از دولت‌هایی که از قبل با مسکو رابطه داشتند، مثل لیبی و الجزایر، علاقه نشان می‌دهد. همکاری روسیه با کشورهای مسلمان شمال و شرق آفریقا

موجب می‌شود تا مسکو وجهه خود را میان کشورهای خاورمیانه حفظ کند و از این لحاظ اطمینان خاطر یابد که ثبات و امنیت در خاورمیانه حفظ می‌شود.

از مدت‌ها قبل روسیه برای حفظ ثبات و امنیت کشورهای همجوار و کشورهایی که از لحاظ جغرافیایی به خاک روسیه نزدیک هستند، مثل ایران، افغانستان و کشورهای غرب آسیا، ارزش و اهمیت ویژه‌ای قائل بوده و به وضعیت سیاسی این تعداد از کشورها توجه داشته و کوشیده است تا با همکاری آنها در زمینه‌های مختلف، اجازه ندهد که این تعداد از کشورها دچار اغتشاش و بی‌نظمی و ناامنی شوند و از این جهت امنیت کشور به خطر بیفتد. همین موضوع بر موضع‌گیری مسکو در قبال کشورهای شرق و شمال آفریقا تأثیر می‌گذارد و سبب می‌شود تا روسیه به وضعیت این تعداد از کشورها بیش از پیش توجه داشته باشد و برای جلب همکاری آنها، به اهداف خود در منطقه خاورمیانه نائل آید و مثلاً بتواند به حل مسئله فلسطین کمک کند.

برای اینکه با سیاست روسیه در شمال و شرق آفریقا آشنایی بیشتری پیدا کنیم، در اینجا روابط روسیه با مصر و اتیوپی، به‌خصوص سیاست‌های دولت پوتین در قبال این دو کشور، تشریح می‌شود. روابط مسکو و قاهره در دوران زمامداری جمال عبدالناصر به اوج خود رسید. روسیه با ارسال کمک‌های نظامی به مصر، برای دولت ناصر این امکان را فراهم می‌آورد تا در برابر اسرائیل ایستادگی کند. اما پوتین روابط مسکو با قاهره را تا حد قابل ملاحظه‌ای گسترش داده است. مبارک در سال جاری به روسیه سفر کرد و بعد از انجام مذاکراتی با پوتین، دو طرف طی صدور اعلامیه‌ای بر این مسئله تأکید کردند که روابط دو جانبه و همکاری‌های مصر و روسیه گسترش خواهد یافت^{۱۳}. همچنین دو طرف اعلام کردند که علیه تروریسم اقدام خواهند کرد؛ به‌خصوص علیه هر نوع اقدامی که کشتیرانی و مسافرت‌های هوایی را با خطر مواجه سازد. علاوه بر این، دو طرف موافقتنامه‌ای را امضا کردند که به موجب آن، روابط تجاری و اقتصادی دو کشور توسعه

یابد و مصر و مسکو در زمینه تکنولوژیکی و صنعتی با یکدیگر همکاری کنند. از طرف دیگر، مبارک و پوتین در مورد مسئله فلسطین نیز گفتگو کردند و اعلام داشتند که وقتی خاورمیانه از صلح و ثبات برخوردار خواهد شد که منافع کلیه کشورها تأمین گردد. در ضمن، مبارک اظهار داشت که خوشبختانه مسکو و قاهره در دوران اخیر توانسته‌اند کماکان با یکدیگر روابط دیپلماتیک و سیاسی داشته باشند و باید روابط دو طرف تقویت گردد و روسیه نقش مهم‌تری در حل و فصل مسائل بین‌المللی ایفا کند. پوتین نیز اظهار داشت که باید روابط دو جانبه از هر لحاظ بهبود و گسترش یابد، وی اظهار امیدواری کرد که اعلامیه اخیر بتواند به توسعه هر چه بیشتر روابط دو کشور کمک کند و روابط دو کشور از لحاظ تجاری و اقتصادی گسترش بیشتری یابد. در مورد عراق، دو طرف اعلام داشتند که سازمان‌های بین‌المللی باید نقش فعال‌تری در رفع بحران موجود ایفا کنند. موافقتنامه‌ای که برای گسترش همکاری‌های فنی و اقتصادی به امضای دو طرف رسید باعث می‌شود تا دولت مصر و روسیه در زمینه بهره‌برداری از منابع گاز مصر با یکدیگر همکاری کنند. دو طرف اعلام داشتند که در گذشته میزان معاملات تجاری مسکو و قاهره معادل ۲ میلیارد دلار بود، ولی امروزه این رقم به ۵۰۰ میلیون دلار کاهش یافته است که باید اقداماتی از سوی دو دولت صورت گیرد تا روابط تجاری دو کشور رونق یابد.^{۱۴} در گذشته مسکو به اجرای پروژه‌های اقتصادی در مصر کمک می‌کرد و در حال حاضر آماده است تا متخصصان خود را به مصر برای پیشرفت پروژه‌های اقتصادی موجود اعزام کند. مصر و روسیه به غیر از اینکه در زمینه انرژی و بهره‌برداری از منابع گاز با یکدیگر همکاری خواهند کرد، در ساخت صنایع نظامی و بهره‌برداری از معادن و توسعه زیر ساخت اقتصادی و تولید محصولات شیمیایی در مصر نیز با یکدیگر همکاری خواهند کرد.

اما روابط مسکو با ایتوبی به تازگی تحت تأثیر نگرش جدید پوتین نسبت به آفریقا و

تلاش دولتمردان اتیوپی برای استحکام روابط خود با روسیه قرار گرفته و در نتیجه، گسترش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است. نخست وزیر اتیوپی، ملس زناوی، در سال ۲۰۰۱ طی دیداری سه روزه از مسکو با پوتین ملاقات کرد و مذاکراتی برای توسعه روابط سیاسی و اقتصادی دو طرف با همتای خود انجام داد. اتیوپی نیز نظیر روسیه اصلاحاتی در عرصه داخلی کشور انجام داده است و اکنون برای تحکیم دموکراسی در کشور اهمیت قائل است و قصد دارد برای حل مشکلات داخلی خود از کمک‌های مسکو استفاده نماید. گورباچف و یلتسین چندان برای گسترش روابط مسکو با اتیوپی اهمیت قائل نبودند و روابط دو کشور قبل از اینکه پوتین زمام قدرت را به دست بگیرد چندان گرم و دوستانه نبود، اما از زمانی که پوتین سمت رهبری را در روسیه احراز نمود روابط دو کشور رشد قابل توجهی داشته است. مسکو قبل از همه برای ایجاد روابط تنگاتنگ با آفریقای جنوبی ارزش قائل است، اما در عین حال، قصد دارد با کشورهای چگون آنگولا و اتیوپی نیز روابط حسنه‌ای برقرار کند.

در دیدار نخست وزیر اتیوپی از روسیه، طی تشریفات خاصی مقامات دو کشور اعلامیه دوستی اتیوپی و روسیه را صادر کردند و دو موافقتنامه هم به امضا دو طرف رسید. قبل از روی کار آمدن پوتین، مقامات دولتی اتیوپی مرتباً از اینکه روسیه با اتیوپی روابط چندان خوبی نداشت ابراز ناخرسندی و از سیاست خارجی روسیه انتقاد می‌کردند و نسبت به این مسئله که روسیه مثل گذشته به اتیوپی کمک نمی‌کرد معترض بودند.^{۱۵} در دیدار نخست وزیر اتیوپی از روسیه، پوتین به وی گفت: «ما از تغییراتی که در اتیوپی رخ داده است آگاه هستیم و می‌دانیم که اتیوپی و کشورهای قاره آفریقا با مشکلات عظیمی برای رسیدن به توسعه پایدار و ایجاد ثبات سیاسی در کشور روبرو هستند و امیدواریم که دیدار شما از روسیه باعث شود تا روابط مناسب‌تری بین دو کشور برقرار شود.» نخست وزیر اتیوپی نیز اعلام داشت: «نسل‌های قبلی کشور به اندازه کافی

از کمک های روسیه به اتیوپی قدردانی نکرده اند و من به مسکو آمده ام تا از دولتمردان روسیه تشکر کنم که تا به حال به ما کمک کرده اند و بدون در نظر گرفتن اینکه چه نوع حکومتی در کشور زمام قدرت را در دست داشته است همواره برای حفظ روابط خود با ما کوشش کرده اند. باید دو طرف سعی کنند تا مثل یازده سال پیش که طرفین روابط خوبی با یکدیگر داشتند، روابط دو کشور تقویت گردد.» نخست وزیر اتیوپی، زناوی بر این نکته تأکید کرد که دو کشور از قرن ها پیش با یکدیگر رابطه داشته اند و مسکو همواره وقتی حاکمیت دولت اتیوپی در معرض خطر قرار گرفته به این کشور کمک کرده است و بر همین اساس، روسیه و اتیوپی باید سعی کنند روابط نزدیک تری با هم داشته باشند. زناوی افزود: «رهبران دو کشور در مورد مسائل مختلف با یکدیگر هم عقیده اند و هر دو کشور باید برای تحکیم دموکراسی و اداره وضعیت داخلی کشور و ایجاد رفاه برای مردم و اولویت بخشیدن به توسعه اقتصادی و اجتماعی گام های بلندتری بردارند.»

طبق اعلامیه ای که به امضای دو طرف رسید، رهبران دو کشور اعلام داشتند که آماده حل بحران شاخ آفریقا و کشورهای آفریقایی هستند. همچنین دو کشور تصمیم گرفته اند تا در مورد پروژه هایی که باید در اتیوپی اجرا شود مطالعاتی انجام دهند و در زمینه مطالعه و تحقیق در مورد زمین شناسی، استخراج و تولید مواد معدنی گرانقیمت و انرژی با یکدیگر همکاری کنند. مذاکراتی نیز در مورد بازپرداخت بدهی های اتیوپی به روسیه انجام شد. اتیوپی معادل ۵/۵ میلیارد دلار وام از منابع مختلف روسی اخذ نموده است که طی مذاکرات انجام شده در مورد ۲۰ درصد باقی مانده بدهی اتیوپی به روسیه، قرار شد اتیوپی به مرور برای پرداخت این وجه اقدام کند. باید گفت که روابط تجاری روسیه و اتیوپی کاهش یافته بود، اما در آینده رشد خواهد یافت. شایان ذکر است که در سال ۲۰۰۰ میزان مبادلات تجاری بین اتیوپی و روسیه معادل ۵۶/۶ میلیون دلار بود. روسیه در مورد صدور اسلحه اعلام کرد که حاضر است کمک های نظامی بیشتری به اتیوپی

بکند. ظرف دو سال گذشته اتیوپی مقدار زیادی تسلیحات نظامی از روسیه خریداری کرده است که در این بین، هواپیماهای میگ ۸۲۴ نیز ملاحظه می‌شود. قرار است روسیه به نوسازی نیروهای هوایی و تجهیزات ضد هوایی اتیوپی کمک کند.^{۱۶}

یکی از کارشناسان سیاسی روسیه بر این مسئله تأکید دارد که تغییر و تحول در روابط اتیوپی و روسیه نشان از این موضوع دارد که بعد از اینکه یلتسین نتوانست در عرصه سیاست بین‌الملل فعالیت درخور توجهی داشته باشد و خصوصاً روابط مسکو با کشورهای آفریقایی را گسترش دهد، اکنون پوتین گام مثبتی در این زمینه برداشته است و گسترش روابط مسکو با اتیوپی حکایت از جهت‌گیری نوین مسکو در جهت ایجاد روابط دوستانه‌تر و مناسب‌تر با کشورهای آفریقایی دارد. دیدگاه اتیوپی و روسیه نسبت به مسائل جهانی بهبود یافته است و هر دو کشور می‌کوشند تا با واقع‌بینی برای ایجاد روابط حسنه با یکدیگر اقدام کنند. موافقتنامه‌هایی که به امضای دو طرف رسیده است نشان می‌دهد که روسیه و اتیوپی وارد مرحله تازه‌ای از روابط سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی با یکدیگر شده‌اند و باید این مسئله مورد توجه قرار بگیرد و برای آن ارزش و اهمیت قائل شد.^{۱۷}

روابط روسیه با آفریقای جنوبی، زامبیا و آنگولا

چنان که قبلاً اشاره شد، روابط مسکو با کشورهای صحرای آفریقا از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. مسکو به تازگی به صورت قابل توجهی جهت ایجاد روابط نزدیک‌تر با آفریقای جنوبی اهتمام دارد و اساساً روابط مسکو با آفریقای جنوبی از حساسیت خاصی برخوردار است. از دیدگاه رهبران روسیه آفریقای جنوبی مهم‌ترین کشور آفریقا است. روابط مسکو با آفریقای جنوبی تا اندازه‌ای در دوران رهبری یلتسین بهبود یافت، اما پوتین به‌طور جدی‌تری در جهت افزایش نقش روسیه در آفریقا و

به خصوص در آفریقای جنوبی گام برداشته است. از زمانی که ماندلا زمام قدرت را در آفریقای جنوبی به دست گرفت، دو طرف آمادگی بیشتری برای تقویت روابط خود پیدا کرده‌اند؛ زیرا دولت آفریقای جنوبی همچون گذشته در پی تسلط هر چه بیشتر بر کشورهای همجوار نیست و با از بین رفتن آپارتاید تلاش دارد تا با جامعه بین‌المللی همکاری نزدیکی داشته باشد و ظاهراً برای ایجاد ثبات در قاره آفریقا ارزش و اهمیت خاصی قائل است.

در سال ۱۹۸۸ معاون رئیس جمهور آفریقا جنوبی تابو امبکی به طور رسمی از روسیه دیدن کرد و سپس در سال ۱۹۹۹ ماندلا از فدراسیون روسیه دیدار داشت که طی آن، ماندلا و یلتسین با صدور اعلامیه‌ای توافق کردند که به تدریج برای انعقاد پیمان دوستی دو کشور اقدام کنند. قرار است که رئیس جمهور آفریقای جنوبی در سال جاری از روسیه دیدن کند و رهبران دو کشور پیمان مذکور را رسماً امضا کنند^{۱۸}. این پیمان به طور همه جانبه باعث گسترش روابط دو کشور خواهد شد. سال گذشته وزیر امور خارجه روسیه در دیدار از آفریقای جنوبی با همتای خود مذاکره کرد و دو طرف تصمیم گرفتند که برنامه‌ای برای گسترش همکاری‌های دو کشور در زمینه‌های فرهنگی و هنری اجرا نمایند. وزیر امور خارجه آفریقای جنوبی در ماه جولای سال جاری از روسیه دیدن کرد و یکی از موضوعاتی که مورد بحث وزیر امور خارجه آفریقای جنوبی و همتای روسی او قرار گرفت، گسترش همکاری‌های روسیه با کشورهای آفریقایی بود و قرار شد تا روسیه بیش از پیش برای تأمین منافع کشورهای آفریقایی اهتمام ورزد.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، کشورهای آفریقایی از اینکه مسکو بعد از فروپاشی شوروی کمتر به گسترش روابط خود با کشورهای آفریقایی علاقه نشان می‌دهد ابراز نگرانی و ناخرسندی نموده، معتقدند که روسیه باید برای کمک به کشورهای آفریقایی همت بیشتری به خرج دهد. مقامات دولتی آفریقایی جنوبی و روسیه درباره موضوعاتی

چون مبارزه با تروریسم، امنیت و همکاری‌های بین‌المللی و ایجاد ثبات در صحنه روابط بین‌الملل با هم گفتگو و مذاکره کردند^{۱۹}. از طرف دیگر، مقامات دو کشور برای این موضوع نیز اهمیت قائل شدند که باید از بروز و تداوم مناقشات و درگیری‌ها در آفریقا جلوگیری شود و در این زمینه باید کشورهای منطقه از کمک‌های سازمان ملل متحد بهره بگیرند. دو طرف برای پایان بخشیدن به درگیری‌ها در رواندا، کنگو، آنگولا، کشورهای شاخ آفریقا تأکید نمودند و عقیده داشتند که کاهش مناقشات و درگیری‌ها در آفریقا می‌تواند به تلاش کشورها برای رسیدن به مراحل بالاتری از رشد اقتصادی و اجتماعی کمک کند. در همین حال، مقامات دو کشور خواستار انجام اصلاحاتی در طرز عملکرد سازمان ملل متحد شدند و تأکید داشتند که جهان تک قطبی باید به جهان چند قطبی تبدیل شود.

از آنجا که هم روسیه و هم آفریقای جنوبی می‌توانند نقش مؤثری در قاره آفریقا ایفا نمایند، دو طرف برای حل مسائل عمده قاره آفریقا نظیر فقرزدایی اهمیت خاصی قائل هستند. از آنجا که روسیه ظرف چند سال اخیر در جلسات گروه هشت نقش عمده‌تری ایفا نموده است، آفریقای جنوبی از رهبران روسیه انتظار دارد که برای اجرای طرح اتحادیه جدید برای توسعه آفریقا کوشش نموده، به‌طور جدی با همکاری دیگر کشورهای گروه هشت برای دستیابی به اولویت‌های این طرح اهتمام ورزد. به‌همین منوال، قرار است روسیه از اتحادیه آفریقا پشتیبانی کند تا این اتحادیه بتواند به اهداف خود مخصوصاً ایجاد صلح و ثبات در آفریقا نائل آید. در زمینه روابط دو جانبه اقتصادی مقامات روسیه و آفریقای جنوبی برای کاهش موانع تجاری بین دو کشور اقدام خواهند کرد و قرار است همکاری‌های دو کشور در زمینه علمی و فنی و تجاری بیش از پیش گسترش و میزان سرمایه‌گذاری روسیه در آفریقای جنوبی افزایش یابد. البته میزان مبادلات تجاری بین روسیه و آفریقای جنوبی افزایش داشته است و آمار و ارقام موجود

نشان می‌دهد که از سال ۱۹۹۴ تا به امروز تجارت بین دو کشور رونق بیشتری یافته و در همین مدت میزان کالاهایی که آفریقای جنوبی از روسیه وارد کرده کمی بیش از میزان کالاهای صادر شده به روسیه است.^{۲۰}

روابط زامبیا و روسیه نیز بعد از اینکه پوتین زمام قدرت را در روسیه به دست گرفت بهبود یافته است. البته قبل از فروپاشی شوروی، زامبیا و روسیه روابط خوبی با یکدیگر داشتند و بعضی از کشورهای آفریقایی مثل زامبیا برای رسیدن به استقلال سیاسی از کمک‌های مسکو بهره می‌گرفتند. شوروی به این تعداد از کشورها کمک می‌کرد تا در برابر قدرت‌های استعماری ایستادگی کنند و از دیدگاه بعضی از دولتمردان کشورهای آفریقایی، موضع‌گیری مسکو در مقایسه با سلطه‌جویی کشورهای غربی استعمارگر در قبال کشورهای آفریقایی مناسب‌تر بود و امروز هم مسکو می‌تواند برای پیشبرد منافع کشورهای آفریقایی و حل مشکلات مهم آنها مثل کمبود منابع اقتصادی گام‌های مؤثری بردارد.

سفیر زامبیا در مسکو اخیراً در مصاحبه‌ای تأکید نمود: «به‌رغم اینکه در گذشته مسکو برای کمک به کشورهای آفریقایی گام‌های بزرگی برمی‌داشت، بعد از فروپاشی شوروی کمتر به این مهم پرداخت و تنها در سال‌های اخیر در این زمینه اقدامات مثبتی انجام داده است.^{۲۱}» از نظر سفیر زامبیا در روسیه، تاپسون تمبو، مقامات روسی بعد از فروپاشی شوروی برای رسیدگی به مسائلی چون ایجاد روابط مناسب با کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی اهمیت قائل شدند و به کمک کشورهای آفریقایی نشناختند، ولی امروزه کشورهای آفریقایی و مسکو ترجیح می‌دهند که با یکدیگر در زمینه‌های مختلف همکاری کنند. طبق اظهارات آقای تمبو، روسیه در حال حاضر برای پایان بخشیدن به خونریزی و جنگ و درگیری در آفریقا اهمیت خاصی قائل است و با همکاری کشورهای آفریقایی برای از بین بردن فقر و مشکلاتی چون شیوع بیماری ایدز

در آفریقا، آماده است.

قطعاً جنگ و خونریزی و درگیری‌های نظامی در آفریقا باعث می‌شود تا مردم بتوانند به زندگانی خود به نحو شایسته‌ای سامان بخشند و زامبیا و روسیه هم به این موضوع و اهمیت آن توجه دارند. زامبیا به نوبه خود در سال‌های اخیر نقش مؤثری در جنگ داخلی جمهوری دموکراتیک کنگو ایفا نموده و به‌عنوان میانجی برای حل و فصل درگیری نظامی در کنگو اقداماتی انجام داده است. از سال ۱۹۹۹ که آتش‌بس اعلام شد، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد در کنگو حضور یافته‌اند و به نظر می‌رسد که این مسئله نیز حل خواهد شد. در همین حال، جامعه بین‌المللی و روسیه می‌توانند برای ایجاد صلح در کنگو اقدامات مفیدی انجام دهند و حتماً نقش روسیه در این مورد حائز اهمیت است.

در عین حال، روسیه برای اینکه نظر رهبران زامبیا را جلب کند، اخیراً اعلام کرده که از پس گرفتن ۸۰ درصد از بدهی‌های عقب مانده زامبیا به روسیه چشم‌پوشی کرده است و همچنین با مقامات زامبیا برای از بین بردن بیماری‌هایی مثل ایدز و بالا بردن سطح آموزش در کشور همکاری می‌کند.

امروزه کشورهای در حال توسعه نیاز مبرمی به نیروی تحصیل‌کرده و متخصص و ماهر دارند و روسیه در این زمینه به زامبیا کمک می‌کند و متخصصان و کارشناسان روسی برای ارتقای سطح آموزش در دانشگاه‌های زامبیا فعال شده و از این طریق به یاری زامبیا شتافته‌اند تا این کشور بتواند سریع‌تر به مراتب بالاتری از توسعه دست یابد. از طرف دیگر، چون زامبیا و روسیه در زمینه حل مسائل داخلی کشور راه‌مشابهی را طی می‌کنند و سعی دارند به استحکام دموکراسی و بازار آزاد اقتصادی در کشورهاشان کمک کنند، فضای مناسبی برای گسترش روابط دو جانبه بین دو کشور به‌وجود آمده است و حتماً تجار روسی علاقمندند که در زامبیا حضور فعال‌تری داشته باشند. از لحاظ

سیاسی نیز دو طرف به تازگی دموکراسی را تجربه کرده‌اند و حتماً می‌توانند از یکدیگر یاد بگیرند که چگونه می‌توان برای استحکام دموکراسی اقدام کرد و با برگزاری انتخابات عادلانه و احترام به حقوق مردم جامعه‌ای سالم و توانمند ساخت. دو طرف به خصوص در زمینه اقتصادی می‌توانند همکاری‌های خود را توسعه دهند و در آینده شاهد گسترش روابط دو جانبه یا چند جانبه بین زامبیا و روسیه خواهیم بود. مقامات و نمایندگان بخش خصوصی دو کشور در نمایشگاه‌های تجاری که در داخل روسیه یا زامبیا برپا می‌شود حضور یافته‌اند و به همین منوال، در زمینه اطلاع رسانی نیز با یکدیگر همکاری می‌کنند و به تبادل اطلاعات در باره کالاهای صادراتی و وارداتی خود می‌پردازند. سفارت زامبیا در روسیه برای جلب همکاری شرکت‌های روسیه نیز گام برمی‌دارد و سفیر زامبیا قصد دارد از نمایندگان بخش خصوصی و تجار روسی دعوت کند تا از زامبیا دیدن کنند و به همین ترتیب، تجار زامبیا نیز از روسیه دیدن کنند.

اما به‌طور کلی روابط تجاری زامبیا و روسیه هنوز چندان گسترش نیافته است. زامبیا سنگ‌های گرانبه‌ایم و گل به روسیه صادر می‌کند و از روسیه لاستیک، کتاب و مجله، ماشین دوزندگی، تجهیزات پزشکی و جراحی وارد می‌کند و قرار است برای افزایش میزان تجارت خود با روسیه گام‌های ارزنده‌تری بردارد. در آینده دو طرف می‌توانند در زمینه کمک به توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط در دو کشور و همچنین برای اجرای پروژه‌های اقتصادی با یکدیگر همکاری کنند و در زمینه باز یافت محصولات کشاورزی، بهره‌برداری از معادن خصوصاً جواهرات، و در زمینه‌های فنی، انرژی، جهانگردی، بهداشت، آموزش، مهندسی و استخراج نفت و گاز نیز همکاری نزدیک‌تری با یکدیگر داشته باشند. در عرصه هنر نیز قرار است روابط دو کشور گسترش یابد. اخیراً هنرمندان روسی در زامبیا کنسرت اجرا کردند و چندین اثر مجسمه‌سازی متعلق به کشور زامبیا در موزه هنرهای مشرق زمین در مسکو در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته است.

در مجموع، بعد از فروپاشی شوروی جریانات سیاسی جدیدی در سطح جهان قوت گرفته و آفریقا نیز از این جهت تأثیر قرار گرفته است. در آفریقا و در زامبیا امروزه مردم دیگر نسبت به مسائل مختلف سیاسی تعصب نشان نمی دهند و آفریقا دیگر به عنوان مرکز رقابت‌های ایدئولوژیکی و سیاسی بین ابرقدرت‌ها در جهان مطرح نیست. زامبیا می‌کوشد تا در دهکده جهانی فعلی برای ایجاد روابط چند جانبه و دو جانبه با کشورهای مختلف گام‌های بلندی بردارد و از آنجا که روسیه و زامبیا جزئی از جامعه جدید جهانی هستند، می‌کوشند تا در جهان امروز با همکاری دیگر کشورها منافع خود را تأمین نمایند. دو کشور قصد دارند دست دوستی به سوی یکدیگر دراز کنند و سطح همکاری‌ها را در زمینه‌های مختلف گسترش دهند.

اخیراً روسیه در آنگولا نیز نقش جدی‌تری ایفا می‌نماید. آنگولا سال‌ها دچار جنگ داخلی بوده است و بعد از اینکه رهبر جناح مخالف دولت ساویمبی جان خود را از دست داد، احتمال می‌رود تا دولت چپ‌گرای آنگولا بتواند عاقبت در جهت خاتمه دادن به جنگ داخلی کشور گام مثبتی بردارد. از آنجا که مسکو در گذشته و بعد از فروپاشی شوروی نیز به دولت کنگولا کمک کرده است، احتمالاً روابط دوستانه دو طرف در سال‌های آتی گسترش خواهد یافت. در ماه ژوئن سال ۱۹۹۸ رئیس جمهور آنگولا، ادوارد دوس سنتوس از روسیه به‌طور رسمی دیدن کرد و در نشست‌هایی که با یلتسین و دیگر مقامات عالیرتبه روسیه داشت، در مورد مسائل مهمی چون بدهی‌های آنگولا مذاکره نمود. طبق مذاکراتی که بین مقامات روسی و رئیس جمهور آنگولا صورت گرفت، دولت آنگولا باید در ازای بخشودگی بدهی‌های خود، به مسکو اجازه دهد تا در مالکیت تعدادی از شرکت‌ها سهام شوند که به بهره‌برداری از منابع الماس کشور مشغول‌اند.

همچنین دو طرف اعلامیه دوستی و همکاری و موافقتنامه‌ای را امضا کردند که به موجب آن، روابط اقتصادی و تجاری دو کشور گسترش خواهد یافت. طبق این

موافقتنامه، دو کشور می‌باید برای رفع موانع تجاری و کاهش تعرفه‌های گمرکی موجود برای رونق بخشیدن به مبادلات تجاری بین دو کشور اقدام نمایند^{۲۲}. البته باید در اینجا یادآور شویم که اخیراً پوتین به گسترش روابط مسکو با آنگولا علاقهٔ زیادی نشان داده و مثلاً اعلام کرده است که روسیه از پس گرفتن بخش اعظمی از بدهی‌های آنگولا به مسکو صرف‌نظر خواهد کرد. روسیه چه در دوران رهبری یلتسین و چه در دوران رهبری پوتین به مسئلهٔ پایان دادن به جنگ داخلی آنگولا علاقه نشان داده و نسبت به سرمایه‌گذاری در بخش معدن در آنگولا و بهره‌برداری از منابع نفت این کشور تمایل دارد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله نقش روسیه در آفریقا و علت و عوامل تأثیرگذار بر عملکرد روسیه در آفریقا بررسی شد. در مجموع، روسیه بر ایجاد ثبات سیاسی و کاهش تنش‌ها و مناقشات در آفریقا اولویت قائل شده و مثلاً برای حل مسئلهٔ جنگ داخلی آنگولا اقداماتی انجام داده است. در ضمن، گسترش همکاری‌های دو جانبه و چند جانبه با کشورهای آفریقایی اهمیت یافته و به طرق مختلف و مثلاً از طریق همکاری با گروه هشت، کوشیده است تا در عرصهٔ اقتصادی در کشورهای آفریقایی فعال شود و برای کاهش فقر در کشورهای آفریقایی گام‌های بلندتری بردارد. البته روسیه از این طریق در صدد پیشبرد منافع اقتصادی خود است و به همین علت، شرکت‌های روسی در آفریقا حضور فعال‌تری پیدا کرده‌اند. در کل، کشورهای آفریقایی با مشکل فقر دست و پنجه نرم می‌کنند و مردم این تعداد از کشورها درآمد کافی برای تأمین نیازهای خود ندارند. روسیه در این زمینه به کشورهای آفریقایی کمک می‌کند و در عین حال، برای رسیدن به سود بیشتر در کشورهای آفریقایی حضور فعال‌تری یافته است. در کشورهای آفریقایی دولت‌های

نظامی و مستبد همواره از طریق بکارگیری زور بر مردم حکومت کرده‌اند، کاهش صادرات اسلحه از سوی روسیه به کشورهای آفریقایی می‌تواند به ایجاد دموکراسی و کاهش سلطهٔ دولتمردان مستبد در کشورهای آفریقایی کمک کند و در همین حال، از احتمال تجاوز دولت‌های متجاوز به کشورهای همجوار بکاهد. در هر حال، بحث ما نشان می‌دهد که روسیه امروز می‌خواهد ثبات سیاسی در آفریقا حفظ شود تا از این طریق و با همکاری کشورهای منطقه در زمینه‌های مختلف، به مقاصد مورد نظر خود دست یابد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

1. Nicolai Petro and Alvin Rubinstein, *Russian Foreign Policy*, New york: Longman, 1997, PP.10 - 15.
۲. قبل از فروپاشی شوروی این دیدگاه مطرح بوده است. برای پی بردن به جزئیات این دیدگاه، نک:
- Erick Hoffmann and Fredric Fleron (editors), *The Conduct of Soviet Foreign Policy*, New York: Aldine Publishing Company, 1982, part III.
3. Dr. J. P.Bazhanov. Evolution of Russian Foreign Policy in the 1990, *Review of International Affairs*, 15/01/98,vol. 44, No. 1063 - 64, p.p.15 - 24.
4. Neil MacFaclane. Russia, Africa and the End of the Cold War *Iranian Journal of International Affairs*, vol. IV, No. 2, Summer 1992,pp. 291 - 312.
5. Putin jails transformation activities in Africa, Pledges support for continent's revival, cited in: [http://www. tele. com](http://www.tele.com), et, 9115/02, p.l.
6. Kremlin signals new priorities in Africa cited in: [http:// www. trj.ru](http://www.trj.ru), 08/07/2321: 06:44, p.l.
7. Russian president Vladimr Putin sends congratulatory message to heads of state and Government of African countries on occasion of Africa

- Day cited in: <http://www.in.mid.ru>, 08/07/23/ 8:4710,p.1.
8. Russia supports political solution to Sahara issue, cited in: <http://www.arabicnews.com>, 08/07/2320:20,pp.1 - 2.
 9. Arms producers take aim at wider clientele cited in <http://www.avia.ru>, 10/13/2002/7:56:09 pm,p.3.
 10. Letter of february 2001. Russian Arms Sales: Another Reform? cited in: <http://www.pircenter.org>, 91115/02,p.3.
 11. Russia cuts debts as it seeks to gain foothold in Africa cited in: <http://www.bday.ru.za>, 08/07/2319:37:52,pp.1-2.
 12. G8 Africa Action Plan cited in: <http://www.98.ca>, 10/1312002/8:21:01pm,pp.1-13.
 13. Putin, Mubarak sign declaration on bilateral ties cited in: <http://English.peopledaily.com> 9/15/02/p.1.
 14. Mubarak, Putin joint press conference cited in: <http://www.presidency.gov.eg>, 9/15/02, p.2.
 15. Russia, Ethiopia Declare Friendship cited in: <http://www.expotimes.net>, 9/15/02, p.4.
 16. Russia, Ethiopia Declare Friendship,p.4.
 17. Op.Cit., p.p.1 - 5.
 18. Minister of Foreign Affairs Dr. Nkosazana Dlamini Zuma to Pay an Official Visit to the Russian Federation,18 - 21, July 2002, cited in: <http://www.dfa.gov.za>, 9/9/2002, p.3.

19. Op.Cit., p.p.2 - 3.
20. Op.Cit., p.2.
21. **Zambian Diplomat Speaks on Russia - Zambia relations** cited in: <http://www.expotimes.net>, 9/9/2002, p.p.2 - 3.
22. **International Relations. President Dos Santos visits Russia** cited in: <http://www.angola.org>, 19/9/2002,p.2.

